

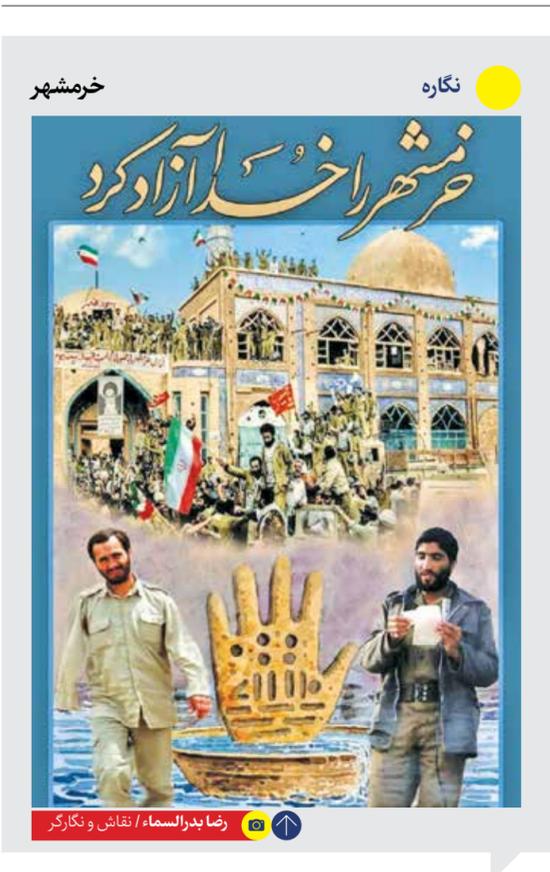
ایران

- صاحب امتیاز:** خبرگزاری جمهوری اسلامی
- مدیر مسئول :** محمد حسن روزی‌طلب
- سرمدیر:** حسام‌الدین برومند
- معاون فنی:** محمدملعلی اکبری
- دبیران:** مصطفی عیوضی (سیاسی)
- مهدی مهرپور(اقتصادی) • مصطفی وتوق‌کیا(فرهنگی) • آزاده سهرابی (اجتماعی)


سخن‌روز
امام علی علیه‌السلام:

پیش از آنکه دشمن بر شما بتازد بر او یورش برید، زیرا به خدا سوگند که هیچ ملتی در سرزمین‌شان مورد حمله قرار نگرفت جز آنکه به خاک مذلت افتاد.

نهیج البلاغه، خطبه ۲۷



فضای مجازی

واکنش اهالی موسیقی به جان باختن و به شهادت رسیدن مرزبانان کشور، روایتی از زندگی شهید احمد متوسلیان در کتاب «عروج از شاخه زیتون»، تازه‌ترین سریال نمایش خانگی با عنوان قهوه ترک و صحبت‌های قطب‌الدین صادقی از فرهنگ، از اخبار شبانه‌روز گذشته دنیای مجازی اهالی فرهنگ و هنر است.



استوری نوشته: «**»** و ایبانی که برای دفاع از مرزهای وطن جان می‌بازند و آثانی که آرزوی برپاد رفتن مرزهای کشور را دارند. محسن رجب‌پور هم نوشته: **»** به چهره‌های معصوم این سرداران وطن نگاه کنید، آنها برای محافظت از خاک و وطن پیرپر شده‌اند.» دیگر اهالی موسیقی هم در این باره بیت و استوری‌هایی به اشتراک گذاشته‌اند.



مجازی‌اش نوشته: «**»** آنها اثر جامع درباره زندگی و زمانه احمد متوسلیان . روایت‌هایی درباره: کودکی، خانه و خانواده، کار در کارگاه شیرینی‌پزی، مدرسه و محله ،دانشگاه علم و صنعت، فعالیت‌های انقلابی پیش از بهمن ۵۷، زندانی شدن در خرم آباد، ورود به سپاه، حضور در درگیری‌های مهاباد، بوکان، بانه، سقز، پاره و مریوان، فرماندهی سپاه مریوان، عملیات محمد رسول الله، تشکیل تیپ ۲۷، عملیات‌های فتح‌المبین و بیت‌المقدس، حضور در جبهه سوریه و ماجراهای بعد از اسارت. این دو سه سال اخیر دو تا کار برای حاج احمد انجام داد. یکی همین کتاب است و یکی هم سرپرستی پژوهش یک مجموعه تلویزیونی درباره تیپ ۲۷ و حاج احمد . خیلی دنبال انجام کارهای پر سررو صدا و تیتراهای یک رسانه‌ها نیستم و از این بابت آقای شکوهمند، حضرت مرتضی سرهنگی، ما مردم، ما دوستداران فرهنگ و هنر این مرز و بوم، ما خواننده‌های صدها کتابی که درباره قهرمانان سرزمین‌مان ساختی، مایی که تو را مدیع نوعی از ادبیات که سابقه‌ای در این فرهنگ نداشت، می‌دانیم؛ همین ما، قدردان‌ات هستیم و بزرگی‌ات را معتزفیم و به پایت می‌ایستیم و وجودت را شکر می‌گوییم. درود ما نثار تو و آن‌که نامزد گلوله‌ها بود، هست و خواهد بود. تو او جوانمرد شهید که برایش نوشتی، برای ما حریم درست کردی در این همه سال، اما دریغ که مدعیان حرمت‌تان را نگه نداشتند. این بی حرمتی هم حتماً از روزی شروع شد که کتاب چون تویی را درباره چون اویی آنقدر در پیچ و خم اداره‌شان معطل گذاشتند که کار رسید به جایی که نباید؛ که رسیدی به بی حرمت کردن خودشان با رفتار و کردار خودشان…

مردی که به خودی خود یک ثروت فرهنگی است

علی اصغر عزتی پاک داستان‌نویس در صفحه اینستاگرامش از مرتضی سرهنگی نوشته و با عنوان «شکوه مرتضی !»: «آوده :» در این سال‌ها کمتر نامی پیدا می‌شود در عرصه کتاب ایران که هم‌پایه نام مرتضی سرهنگی باشد. نداریم. این بزرگمرد فرهنگ حالا دیگر جزو حیثیت فرهنگی است. «سرهنگی» امروز به خودی خود یک ثروت فرهنگی است. او انسانی است ستوده‌شده از سوی خرد و کلان این مُلک؛ چرا که مراتب والایی از فضل و فرهنگمدی را با زحمت و مداومت در کار و مقاومت در برابر مصایب و مدارا و رواداری و بزرگ‌منشی کسب کرده است. «سرهنگی» امروز به خودی خود یک ثروت فرهنگی است که کمترین حشش برگردن ما، حفظ و حراست حرمتش و قدرشناسی و بزرگداشت است. جناب آقای شکوهمند، حضرت مرتضی سرهنگی، ما مردم، ما دوستداران فرهنگ و هنر این مرز و بوم، ما خواننده‌های صدها کتابی که درباره قهرمانان سرزمین‌مان ساختی، مایی که تو را مدیع نوعی از ادبیات که سابقه‌ای در این فرهنگ نداشت، می‌دانیم؛ همین ما، قدردان‌ات هستیم و بزرگی‌ات را معتزفیم و به پایت می‌ایستیم و وجودت را شکر می‌گوییم. درود ما نثار تو و آن‌که نامزد گلوله‌ها بود، هست و خواهد بود. تو او جوانمرد شهید که برایش نوشتی، برای ما حریم درست کردی در این همه سال، اما دریغ که مدعیان حرمت‌تان را نگه نداشتند. این بی حرمتی هم حتماً از روزی شروع شد که کتاب چون تویی را درباره چون اویی آنقدر در پیچ و خم اداره‌شان معطل گذاشتند که کار رسید به جایی که نباید؛ که رسیدی به بی حرمت کردن خودشان با رفتار و کردار خودشان…

- بنفشه غلامی(جهان) • علی کاکا دزفولی (سیاست)
- لیدا فخری(اندیشه) • محمدرضا عزیزی(گزارش)
- زهرا کشوری(زیست‌بوم) • سعید زاهدیان(ورزشی)
- مهدی کلهرزاد(اجرای)
- حجت حکیمی (صفحهٔ‌آرایی)
- محسن جانی‌پور (ویراستاری) • ابوالفضل نسایی (عکس)

نقل قول



مریم کاظمی بازیگر و کارگردان تئاتر

دوست داریم سالن‌های تئاتر کودک و نوجوان پر باشد

تولید تئاتر کودک و نوجوان همیشه چند دیدگاه را دنبال کرده است. دیدگاه کارشناسان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، دیدگاه کارشناسان وزارتخانه‌ای، دیدگاه انجمن‌ها و تشکل‌های صنفی، دیدگاه روانشناسانه نهادهایی که روش‌های متدیک را می‌پسندند، دیدگاه گروه‌های اجرایی مدرسه‌رو که روابط‌های واسطه‌ای آموزش و پرورش قرارداد‌های آن را کارسازی می‌کنند، دیدگاه سازمان فرهنگی-هنری شهرداری و لزوم فعال کردن فرهنگسراها و سرای محله‌ها، دیدگاه نمایشگران عروسکی که در زمینه تئاتر کودک کار می‌کنند، دیدگاه فعالان عروسکی کودک که برای تولد‌ها و مراسم برنامه تولید می‌کنند و دیدگاه گروه‌های تئاتری آزاد. هر دیدگاهی داشته باشیم، همه روی مخاطب همیشگی و مشتاق کودک و نوجوان حساب می‌کنیم. دوست داریم سالن‌های پر و علاقه‌مند داشته باشیم. برای این کار باید غیر از فکر و خلاقیت، خوب هم هزینه شود. | بخشی از گفت‌وگوی مهر با مریم کاظمی بازیگر و کارگردان تئاتر

یادداشت

چاقو فقط برای آدم کشی نیست

داخل کتابفروشی کوچکی بودم و داشتم قفسه‌ها را با چشم‌انم جاسو می‌کردم تا چیزی از دیده‌ام پنهان نماند. سرم گرم بود ولی همان‌طور که بارها گفته‌ام، گوش‌هایم کار می‌کرد. آقایی که سن زیادی نداشت، شاید کمتر از چهل وپنج سال، از در وارد شد و بعد از نگاهی گذرا به برخی قفسه‌ها، از کتابفروش کتابی خواست که برای جشن تکلیف یک دختر بتواند به او هدیه دهد. چند جمله‌ای با هم حرف زدند که آقایی کتابفروش گفت: به نظرم برای این سن رمان انتخاب کنید .

آقا با حالتی از تعجب و تحیر گفت: رمان نه! می‌خواهم درباره نماز و روزه و دین باشد. رمان طبیعتاً مناسب نیست! دوست کتابفروش هم ضمن عذرخواهی گفت: پس گزینه‌ای که مناسب این سن باشد و نظرش را جلب کند، نداریم. آن آقا هم راهش را کشید و از کتابفروشی خارج شد. من نگاهی به دوست کتابفروشم کردم و به کار ادامه دادم. او هم لبخندی تحویل داد و پشت پیشخوان مغازه رفت و نشست. بعد با خودم گفتم، مگر رمان چه اشکالی دارد که آن آقا آنطور بعد از شنیدن عبارت «رمان» وحشت‌زده شد و گفت، طبیعتاً رمان نمی‌خواهم و گزینه مناسبی نیست. خیلی فکر کردم و از آن روز تا این لحظه که دارم این خطوط را می‌نویسم، با خودم کلتجاسر رقم تا بدانم چه عیبی در رمان دیده بود که نمی‌خواست برای آسانی که تازه مکلف‌شده رمان بخرد؟! مگر غیر از این نیست که نویسندگان بزرگ ادبیات نه در ایران، بلکه در جهان بسیاری از فضایل اخلاقی را با زبان قصه و رمان مطرح کرده‌اند؟ مگر مفاهیمی مثل صدق و یا تعهد یا مفاهیمی از این دست که ریشه مذهبی دارد، در رمان‌هایشان نیست؟ مگر اهمیت وفای به عهد در آثار ادبی جهان مطرح نشده و نمی‌توان از آن پنجره به اهمیت آنها اشاره کرد؟ منکر نیستم که برخی رمان‌ها هم هستند که این‌گونه نیستند ولی همان‌ها هم در ضمیر انسان اثر منفی به‌جا نمی‌گذارند بلکه انسان را بدون تجربه کردن، با یک ردیفه اخلاقی مواجه می‌کنند و تجبات آن را در عالم داستان نشان می‌دهند تا انسان پند بگیرد. به طور کلی مگر ادبیات آینه‌ای برای نگریستن در خویشتن نیست؟ حتماً باید کتابی باشد که مستقیم درباره وجوب صدق سخن بگوید و در نگوئش کذب داد سخن سر دهد؟ آن‌هم برای این نسل که گوششان پراست از حرف‌های مستقیم و بهتر است ابزاری غیر از ابزار مستقیم‌گویی برای سخن گفتن با آنها انتخاب کرد.

شاید آن آقا با خود خیال کند که کتاب ارزشمندی از یک دانشمند دینی به فرزندش هدیه کرده است ولی نداند که ممکن است آن کتاب هفت‌خنده خوانده شود در حالی که شاید اگر رمانی به او اهدا می‌کرد که در پس بیان قصه، هدفی ارزشمند در خود داشت، چندین برابر بیشتر به هدفی که در نظر داشت، نزدیک بود.

شاید رمان حکایت چاقویی باشد که می‌توان با آن به افراد آسیب بزند ولی به صرف یک کاربرد نادبست، نباید موارد بسیاری از کاربردهای مفید چاقو را انکار کرد.

پیشنهاد

اولین شماره سوره منتشر شد

بعد از انتشار سه پیش‌شماره، اولین شماره دوره جدید مجله سوره منتشر شد و در نمایشگاه کتاب از آن رونمایی به عمل آمد. در این شماره به موضوعات مهمی پرداخته شده است؛ از جمله آنها مصاحبه‌ای مفصل با سیده‌زهرا عجمیان، خواهر شهید امنیت سیدروح‌الله عجمیان است که سیدعلی سیدان هم در این باره در سرمقاله خود نکاتی را بیان کرده است. میزگردی با موضوع هنر استشهادهای، نقد رویکرد مجلات اصلاحات مثل آگاهی نو و اندیشه پویا به تاریخ و تحولات سیاسی، تقریری از حیات مرحوم نادر طالب‌زاده و روح‌الله نامداری، تحلیلی بر جبهه مقاومت و… از موضوعاتی است که اولین شماره دوره جدید سوره به آن پرداخته است.

سیدان در سرمقاله این شماره اینطور نوشته است: سرمقاله شماره اول ماهنامه سوره در شرایطی نوشته می‌شود که جمهوری اسلامی ایران، بلوای ۱۴۰۱ را با «فتح‌مبین» پشت‌سر گذاشته و طرح دشمنش را شکست داده است. آیا ما این «پیروزی آشکار» را می‌بینیم و آن را احساس می‌کنیم؟ یا به پیروی از عادات و مشهورات احساس فلاکت می‌کنیم؟ احساس پیروزی منوط است به ۱- شناختن هویت خود، ۲- شناختن طرح دشمن و ۳- دیدن صحنه درگیری و نتایج واقعی نبرد. اگر مرز میان خود و دشمن کم‌رنگ شود و اگر دستگاه بینایی ما مختل باشد و نتواند محل نزاع را به درستی ببیند و تقریر کند، شکست و پیروزی بی‌معناست.

در طلب دیگری از این شماره که محمد علی صمدی درباره شهید آوینی نوشته، اینطور می‌خوانیم: امروز که به گذشته می‌نگرم، شک نمی‌کنم شهادت سیدمرتضی آوینی و تکانه‌ای که پس از آن در فضای فرهنگی کشور ایجاد شد، تغییراتی جدی در مسیر فرهنگی کشور به وجود آورد که از قطعه‌نامه ۵۹۸ و تدابیر موسوم به سازندگی لطمه درناکی خورده بود. گرایش بخش‌جستگیری از جوانان به فرهنگ برخاسته از سال‌های جنگ مرحوم روح‌انجام و یاد مسرتضی آوینی و هران چیزی است که در نسبت با او قرار داشت. هیچ امری به اندازه دفاع مقدس را با جناب آوینی نسبت نداشت و ایشان راوی فتح شناخته شد. این فضا که با آرامش اما می‌وقفه مداوم داشت، طیف‌های سیاسی معارض با آن‌ها می‌اصیل انقلاب و دفاع مقدس را که در بحران فکری پس از قطعه‌نامه مجال عرض‌اندام وسیعی پیدا کرده بودند، در محاق قرار داد.

مجله سوره این بار به سردبیری سیدعلی سیدان و هیأت تحریریه‌ای متشکل از حمیدرضا میرزکی، علیرضا سمیعی، سارا عاقلی، محسن زباری، سحر دانشسور، محمود ذکات، مرتضی ابراهیم‌پور، محمدجواد نجفی و محمد صالح سلطانی، به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

- تلفن:** ۰۰۸۸۷۶۱۲۲۰؛ **نمابر:** ۰۰۸۸۷۶۱۲۴۵؛ **ارتباط مردمی:** ۰۸۸۷۶۹۰۷۵
- پيامک:** ۰۰۰۴۵۱۳۳؛ **روابط عمومي:** **نشانی:** تهران خیابان خرمشهر،شماره۲۰۸
- صندوق پستی:** ۵۳۳۸۸-۵۳۳۸۸؛ **امور مشترکین:** ۸۸۷۴۸۸۰
- چاپ:** چاپخانه‌های همشهری، شرکت چاپ جام‌چم
- سازمان آگهی‌های روزنامه ایران:** دارنده گواهینامه‌ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
- پذیرش سازمان آگهی‌ها:** ۸۸۷۲۰۰(۰۲۱)
- انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:** ۰۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

یادداشت

مروری بر کتاب «موریانگی» مجموعه بیانات مقام معظم رهبری

«نفوذ» و «نفوذی» در دکتربین دشمن‌شناسی

کتاب «موریانگی» مجموعه بیانات رهبر معظم انقلاب با موضوع «نفوذ» و «نفوذی» و ادبیات مربوط به این حوزه است که در بین سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۹۵ در مراسم و مناسبت‌های متعدد، در میان اقبشار و گروه‌های مختلف ایراد نموده‌اند و «انتشارات ایران» به تازگی آن را در پنج فصل سیصد صفحه‌ای منتشر کرده است. مسأله در بررسی و اهمیت کتاب از آنجا است‌که مبحث‌های زیادی در مورد آن صورت گرفته، اما اخیر در ادبیات سیاسی کشور بسیار مورد توجه قرار گرفته و بحث‌های زیادی در مورد آن صورت گرفته، اما صحبت از نفوذ و ادبیات مربوط به آن در کلام رهبر معظم انقلاب از همان روزهای نخست دوران زعامت ایشان در جایگاه رهبری، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ابزار دشمن‌شناسی انقلابی مطرح بوده است. با نگاهی به بیانات ایشان در طول سالیان مختلف، این نکته مشخص می‌شود که بحث نفوذ در بیانات ایشان بیشتر با هدف انسجام‌آفرینی داخلی صورت گرفته است. کتاب حاضر با تکیه بر بیانات رهبری، به مثابه تلاشی برای شناخت روش‌های دشمن است و نویسنده سعی دارد با بررسی ادبیات نفوذ در کلام مقام معظم رهبری، دشمن‌شناسی را به‌عنوان ضرورتی جدی برای جامعه ایران که به‌دنبال آرمان‌ها و اهداف بلند خود در عرصه جهانی است، معرفی نماید. خود رستم‌پور نویسنده کتاب «موریانگی» در بخشی با عنوان مقدمه نویسنده می‌آورد: با وقوع غیرمنتظره و شگفت‌انگیز انقلاب اسلامی کشور ایران، مفهوم و حد و مرز واژه‌ای به نام «دشمن» تغییرات بنیادین و اساسی پیدا کرد. نظام ارزشی متمایز و مبانی هویتی به کلی متفاوت نظام سیاسی جمهوری اسلامی را رژیم پهلوی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین دلیل این تغییر-و چه بسا باید گفت این تحول- در دستور این تغییر پیدا کرد. در ادبیات، باید از رویگردانی کامل از ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی سخن گفت. آمریکا تا پیش از انقلاب اسلامی، فراتر از یک دوست، متحد یا هم‌پیمان ایران پهلوی بود. وابستگی قوه تصمیم‌گیری و نهادهای سیاستگذاری ایران به مطلوبیت‌ها، بایسته‌ها و ارزش‌هایی که دستگاه حاکمه و مسئولان ایران بدان اظهار می‌کردند، واقعیت تلخی است که در میان کارگزاران پهلوی از نخست‌وزیر و وزیر گرفته تا نماینده مجلس و کارگزاران برجسته ادارات و نهادهای مختلف بدان تصریح کرده‌اند و عمدتاً در خاطرات و اظهارات خود نیز بدان اشاره کرده‌اند. با این نگاه، ایالات متحده آمریکا و رژیم صهیونیستی در صف نخست دشمنان جمهوری اسلامی‌اند. ممکن است برداختن به چرایی این دشمنی، پس از نزدیک به چهار دهه خصومت و معاندت این دو و متحدین آنان، کاری تکراری و حتی بی‌هوده به‌نظر برسد؛ اما توجه به چند بیان رهبر معظم انقلاب که اکنون، آگاه‌ترین فرد کشور به روش‌ها و اسلوب دشمنی‌هاست، می‌تواند فضای کلی این کتاب را نشان دهد. او در بخش دیگری از این کتاب با استناد به یکی از سخنرانی‌های رهبر معظم انقلاب در تحلیل و تشریح دکتربین دشمن‌شناسی ایشان می‌نویسد: «کارآمدی در حوزه فرهنگی با فعالیت فرهنگی ایجابی محقق می‌شود. حمایت رهبر معظم انقلاب از مجموعه‌های خودجوش فرهنگی در حوزه‌های مختلف و تأکید ایشان بر پشتیبانی از تولیدات فرهنگی بومی در این راستا تفسیر می‌شود که فعالیت صرفاً تدافعی در مقابل هجوم بی‌امان فرهنگی، راهبر مناسبی نیست. انسان در بخش تحرک دشمنان در حوزه فرهنگ به این نکته باور دارند که هدف و آماج تحرک دشمنان در زمینه فرهنگ، عبارت است از ایمان مردم و باورهای مردم. مسئولان فرهنگی، باید مراقب رخنه فرهنگی باشند؛ رخنه‌های فرهنگی بسیار خطرناک است؛ باید حساس باشند، باید هوشیار باشند. نمی‌خواهیم بگوییم همه آسیب‌های فرهنگی کار بیگانگان است، نه، خود ما هم مقصریم؛ مسئولان مختلف، مسئولان فرهنگی، مسئولان غیرفرهنگی، کم‌کاری‌ها، غلط‌کاری‌ها، اینها تأثیر داشته؛ ما همه را به گردن دشمن نمی‌اندازیم؛ افا حضور دشمن را هم در زمینه مسائل فرهنگی نمی‌توانیم فراموش کنیم.» نویسنده با آوردن شاهد مثال‌های فراوان از این جنس بیانات رهبری در این نتیجه می‌رسد که «بنابراین نباید از یاد برد که دشمن به‌دلیل آنکه انقلاب اسلامی ایران، زمینه‌تنبیه، بیداری و آگاهی مردم جهان و بویژه کشورهای منطقه را فراهم نموده و ایستادگی و مقاومت بی‌نظیری در مقابل همه برنامه‌ها و دسیسه‌های دشمن از خود نشان داده است، خصومت و توطئه ورزی خود را همچنان ادامه خواهد داد. ممکن است در برخی برهه‌ها و بویژه در سال‌های اخیر که از سبونی، جنک نظامی و تحریم اقتصادی بدان شکل که دشمن انتظار داشته است، پیش رفته و در عمل به شکست انجامیده است و از سبونی دیگر لحن و بیان مسئولان و مقامات جبهه استیکار نیز تغییر و تلّون جدیدتری یافته، برخی گمان دشمن آن دشمن سابق نیست و می‌توان و چه‌بسا باید با او مسائل را حل و فصل کرد؛ حال آنکه به گفته رهبری چنین نیست.»



صد مصر مملکت ز تقدی خراب شد صد بحر سلطنت ز تظاول صد سراب شد صد برج حرص و بخل به خندق دراوفتاد صد بخت نیم خواب به کلی به خواب شد آن شاهراه غیب بر آن قوم بسته بود وان ماه رنگ ظلم به زیر حجاب شد

غزلیات شمس مولانا

کلمه

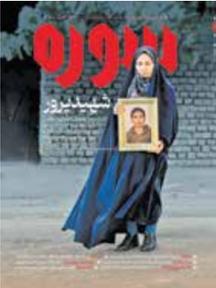
درک زیبایی، نوعی مهارت و توانایی ذاتی است

قدمت تکرار داستان زیبایی و مقایسه زیبایی - خصوصاً زیبایی چهره. اگر به اندازه قدمت بشریت نباشد، دست‌کم خیلی قدیمی است. دغدغه زیبایی چهره بهانه خوبی است برای از زیبایی گفتن. اگرچه الزماً نباید «خوشگلی» چهره را با مفهوم فلسفی «زیبایی» مقایسه کرد یا آن را مستقیماً در مقابل «زشتی» فرض گرفت. قیاس زیبایی نه تنها بین دو فرد، که گاهی در مورد یک نفر هم قابلیت وقوع دارد. مقایسه زیبایی یک نفر در دوره‌های مختلف یا دو حالت مختلف و از آن جالب‌تر مقایسه زیبایی در نمرخ راست با نمرخ چپ.

بارها شنیده‌ایم که کسی در مورد خود یا دیگری مدعی شده که یک نیمه صورت او زیباتر از زیباتر یک باشد یا حداقل در عکس چنین به چشم بیاید. مدت‌هاست، در میان‌سالی که قضاوت‌های خود را با دوران جوانی مقایسه می‌کنم متوجه تفاوت عمده‌ای می‌شوم. این روزها چهره مردم در کوچه و خیابان به نظرم زیباتر از آن روزگار جوانی است. یا بهتر است بگویم تعداد چهره‌های زیبایی که می‌بینم خیلی بیشتر از آن سال‌هاست. بلافاصله ممکن است این تصور پیش بیاید که پراستگی و خودآرای‌های امروزی، از پوشش و لباس و زینت‌ها و اصلاح سر و صورت و لوازم آرایشی تا انواع جراحی‌های زیبایی و… یا القای رسانه‌های مد و عرف جامعه ممکن است دلیل این تفاوت در نسلی از مردم و جوان‌ترها باشد. [این‌ها به جای خود] اما این قضاوت اولاً مربوط به یک نسل خاص نبوده و در مورد نوزادان و حتی پیرمردها و پیرزن‌ها، در مورد چهره‌های شهری و روستایی و… هم صدق می‌کند و ثانیاً این قییل زیبایی‌های صنعتی و ساختگی مد روز چندان به مذاقم خوش نمی‌آید. بنابراین با اطمینان منشأ چنین تغییری را باید در درون نگاه خودم پیدا کنم. در واقع این تفاوت از نوعی توسعه در مفهوم زیبایی در اثر یک تجربه زیستی ناشی می‌شود. حالا به نظرم هر چهره‌ای می‌تواند زیبا باشد و هست.

حتی چهره‌هایی که در تعبیر مرسوم و عامیانه نواقصی مثل چین و چروک، پیچی، سوسختگی و ماه گرفتگی و زخم و… دارند. زیبایی یک درک ذهنی از واقعیت بیرونی است. بنابراین بخشی از درک زیبایی، نوعی مهارت و توانایی ذاتی است که مستقیماً احساس یا ابزار می‌شود؛ بخشی، استعداد ذاتی است که به کمک تکنیک‌های خاص و ممارست کشف می‌شود و قسمت عمده آن اکتسابی است. وقتی به چهره آدم‌ها نگاه می‌کنم، باور دارم که آنچه در این موارد به نظر بیننده زیبا نمی‌آید، فقط از دایره درک زیبایی ما خارج است. اینجا همان جایی است که نمی‌توان میان زیبایی گل سرخ و گل نرگس، ابر بهاری و شکوفه، آثار سباستین باخ و یوهان سباستین باخ، میان ونلسان ونکوگ و کاملیو پیسارو، میان لئوناردو داوینچی و میکل آنژ و… یکی را بر دیگری ترجیح داد. اما از طرفی هم وقتی این دامنه درک زیبایی به اندازه کافی وسیع و فعال باشد زشتی‌های ساختگی آزاردهنده می‌شوند و تحمل هر آنچه در موسیقی، معماری، اخلاق، طراحی صنعتی و… مغایر این درک باشد، برای این افراد دشوارتر از سایرین خواهد بود. بی‌سبب نیست که بعضی زشتی‌های شهری و اجتماعی و… هیچ تأثیری بر قسمتی از جامعه نمی‌گذارند اما عده‌ای را سخت آشفته و خشمگین می‌کنند.

فرنگ



در طلب دیگری از این شماره که محمد علی صمدی درباره شهید آوینی نوشته، اینطور می‌خوانیم: امروز که به گذشته می‌نگرم، شک نمی‌کنم شهادت سیدمرتضی آوینی و تکانه‌ای که پس از آن در فضای فرهنگی کشور ایجاد شد، تغییراتی جدی در مسیر فرهنگی کشور به وجود آورد که از قطعه‌نامه ۵۹۸ و تدابیر موسوم به سازندگی لطمه درناکی خورده بود. گرایش بخش‌جستگیری از جوانان به فرهنگ برخاسته از سال‌های جنگ مرحوم روح‌انجام و یاد مسرتضی آوینی و هران چیزی است که در نسبت با او قرار داشت. هیچ امری به اندازه دفاع مقدس را با جناب آوینی نسبت نداشت و ایشان راوی فتح شناخته شد. این فضا که با آرامش اما می‌وقفه مداوم داشت، طیف‌های سیاسی معارض با آن‌ها می‌اصیل انقلاب و دفاع مقدس را که در بحران فکری پس از قطعه‌نامه مجال عرض‌اندام وسیعی پیدا کرده بودند، در محاق قرار داد.

مجله سوره این بار به سردبیری سیدعلی سیدان و هیأت تحریریه‌ای متشکل از حمیدرضا میرزکی، علیرضا سمیعی، سارا عاقلی، محسن زباری، سحر دانشسور، محمود ذکات، مرتضی ابراهیم‌پور، محمدجواد نجفی و محمد صالح سلطانی، به فعالیت خود ادامه می‌دهد.